

The development of communications and information in the international information society, and consequently the emergence of transnational politics, requires a new diplomacy based on transparency, openness and cooperation with civil and transnational civil society actors in the public sphere. Meanwhile, due to the importance and attention of the Islamic Republic of Iran to nations and public opinion, this type of diplomacy has a significant place in the country's foreign policy. thereforeThe question that is the main concern of the author is which elements have played an effective role and position in the public diplomacy of the Islamic Republic of Iran towards the Islamic world? In response to this question and inspired by the conceptual and strategic model of public diplomacy, the hypothesis is raised that it seems that the Islamic Revolutionary Guard Corps has over time played a key role in public diplomacy along with other pillars. And this has become much more pronounced in recent years with the dominance of new media technologies and virtual networks and competing powers globally and in regions such as the United States, the European Union, Turkey and Saudi Arabia, and the need to update information. The research method in this article is descriptive-analytical and the method of data collection is library and filing tools.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام با تأکید بر نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

لنا عبد الخانی (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

محمد دامی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۶

حامد محقق نیا^۳

شیوا جلال پور^۴

چکیده

توسعه و پیشرفت ارتباطات و اطلاعات در جامعه اطلاعاتی بین‌المللی و به تبع آن ظهور سیاست فراملی، ایجاب کننده دیپلماسی نوینی است که بر شفافیت، باز بودن و همکاری با بازیگران جامعه مدنی و فراملی در حوزه همگانی استوار باشد. در این بین، به سبب اهمیت و توجه جمهوری اسلامی ایران برای ملت‌ها و افکار عمومی، این نوع دیپلماسی از جایگاه قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی کشور برخوردار است. از این رو، سوالی که دغدغه اصلی نگارنده را در پی دارد این است که در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قبال جهان اسلام، کدام ارکان از نقش و جایگاه موثری برخوردار بوده است؟ در پاسخ به این پرسش و با الهام از الگوی مفهومی و راهبردی دیپلماسی عمومی، این فرضیه مطرح می‌گردد که به نظر می‌رسد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مرور زمان نقش اساسی دیپلماسی عمومی کشور را در کنار سایر ارکان به عهده گرفته است و این امر در سال‌های اخیر و با استیلای تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی و قدرتهای رقیب در عرصه جهانی و منطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه و عربستان سعودی و ضرورت به روزرسانی اطلاعات، بسیار پررنگ‌تر شده است. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری است.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد بین‌المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران.

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

تغییرات جهانی و ورود به جهان ارتباطات و اطلاعات باعث شده تا به طبع آن دیپلماسی نیز از این تغییرات تحت تاثیر قرار بگیرد. در جهان امروز و در عرصه دیپلماسی، شفافیت و برقراری ارتباط با عامه مردم امری ضروری به نظر می‌رسد، در حالی که در گذشته این چنین نبود و بسیاری از فعالیت‌های دولتی پنهان بوده و الزامی به ارائه اطلاعات و شفافیت با شهروندان نبوده است. الزامات و شرایط جدید جامعه جهانی آشکار کرده است که دولت‌ها در سده جدید نمی‌توانند به تنهایی بر مشکلات و مسائل سیاست خارجی خود فائق آیند، بلکه نیازمند حضور سایر بازیگران در محیط بین‌المللی هستند. علاوه بر این، شهروندان امروزه در عصر ارتباطات و اطلاعات خواهان مسئولیت‌پذیری و شفافیت از سوی دولت‌ها هستند. این امر باعث شده است تا دیگر دیپلماسی رسمی و سنتی نتواند پاسخگوی جامعه باشد و لزوم به کارگیری دیپلماسی عمومی در پیشبرد و اجرای امور سیاست خارجی کشورها ضروری باشد. بنابراین توسعه و پیشرفت ارتباطات و اطلاعات در جامعه اطلاعاتی بین‌المللی و به تبع آن ظهور سیاست فرا بین‌المللی، ایجاد کننده دیپلماسی نوینی است که بر شفافیت، باز بودن و همکاری با بازیگران جامعه مدنی و فراملی در حوزه همگانی استوار باشد. این نوع دیپلماسی که غالباً دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود، متضمن و مستلزم ارتباط با گروه‌های مرجع، رهبران احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، رسانه‌ای به عنوان سازندگان افکار عمومی و کلیه شهروندان برای شکل‌دهی به افکار و هماهنگ‌سازی اذهان آنان با اهداف سیاست خارجی است. همچنین اعمال و اجرای موفقیت‌آمیز دیپلماسی عمومی، مستلزم به کارگیری بهینه فناوری و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی در چارچوب دیپلماسی رسانه‌ای می‌باشد. زیرا جوهر و شالوده دیپلماسی عمومی، اعمال و به کارگیری قدرت نرم برای مدیریت افکار عمومی جهانی است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۷۴). امروزه کشورها تلاش دارند تا با به کار بردن ساز و کارهایی قدرت نرم و دیپلماسی خود را تقویت کنند. یکی از ابزارهای اساسی دیپلماتیک در عصر حاضر که دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود، در واقع ابزار و مکانیسمی برای اعمال قدرت نرم در عرصه عمل است (بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۴۷). با پذیرش این امر که توانایی رخنه و نفوذ در جوامع خارجی با استفاده از وسایل سیاسی و شبه نظامی (هالستی، ۱۳۸۳: ۴۲۴)، یکی از بایسته‌های عصر حاضر در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، می‌توان بر دیدگاه‌های جوزف نای مبنی بر بازآفرینی دیپلماسی عمومی در بازتولید، تولید و افزایش قدرت نرم صحه گذارد. دیپلماسی عمومی سایر کشورها را با سیاست‌های کشور صادر کننده همسو می‌سازد و رفتاری حمایت‌گرایانه و پشتیبانی‌ساز را به همراه خواهد داشت (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

با توجه به اهمیتی که اسلام و جمهوری اسلامی ایران برای ملت‌ها و افکار عمومی قائل هستند و همچنین تاکید بر اهدافی همچون نفی ظلم و حمایت از مظلوم، حمایت از جنبش‌های آزادیبخش، تلاش برای وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با جهان و دعوت به اسلام که بعد از انقلاب اسلامی به عنوان اصول سیاست خارجی کشور در ارتباط

با کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفت، دیپلماسی عمومی جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا کرده است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۷۳). جمهوری اسلامی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانسته از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره ببرد، به ویژه که این انقلاب با شعارها و رسالت‌های مشخص در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی داشته باشد که مهمترین آنها تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم سالاری دینی در چهارچوب فکری رهبری انقلاب، امام خمینی (ره) است. رهبری که در منطقه و جهان نیز بسیار تأثیرگذار بود و الگوی بسیاری از فعالیت‌ها و جنبش‌های آزادی طلبانه تلقی می‌شود. از طرف دیگر گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق تأکید دارد که در این حالت قدرت نرم از توان جذب کننده‌ای برخوردار است و می‌تواند رفتار مردم را تعیین کند و تغییر دهد. همچنین ایران در ابتدای پیروزی انقلاب و تا قبل از آغاز جنگ ۸ ساله با عراق، به خوبی توانست از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌ای بر اساس امکانات آن زمان برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان خود بهره ببرد که این امر از جمله اقدامات ایران برای تقویت و هدایت قدرت نرم به شمار می‌رود. با این حال و با وجود این تجربه موفق، ایران در سال‌های بعد نتوانست بهره مورد انتظار از قدرت نرم داشته باشد. در این رابطه یکی از مهمترین دلایل کم رنگ شدن اهمیت کاربرد قدرت نرم، آغاز جنگ با عراق بود که موجب شد تا مهمترین اولویت ایران دفاع از سرزمین خود باشد. با این حال در سال‌های بعد از جنگ نیز همچنان بر سیاست‌های امنیتی و تقویت توان نظامی ایران تأکید شده است. در حالی که در دوران کنونی اولویت‌های مهم دیگری مطرح هستند که توان نظامی و امنیتی می‌تواند مکمل آنها باشد. اما اهمیت به‌کارگیری دیپلماسی عمومی ایران در منطقه و جهان به حدی است که می‌تواند به کاهش تأثیرات تبلیغات منفی برخی از کشورها و رسانه‌ها که در سال‌های اخیر علیه ایران به وجود آمده است، کمک کند (متین‌فر، ۱۳۹۳).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازمانی نظامی است که در نخستین روزهای پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (بنیانگذار و رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران)، تشکیل شد. امام خمینی در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی رسماً تأسیس این نهاد را اعلام کرد و شورای انقلاب با تأسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گام اساسی را در جهت سازماندهی این نهاد برداشت. سپاه نهادی نظامی و بازوی مسلح برای پاسداری از نظام جمهوری اسلامی است. قانون اساسی درباره سپاه می‌گوید: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان ایشان بوسیله قانون تعیین می‌شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۰). سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان ابتدای تأسیس خود تلاش کرده است که فراتر از یک نهاد نظامی، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در راستای اعتلای کشور ایران و انقلاب اسلامی ایران تلاش کند. در ابتدا به نظر می‌آمد که علاوه بر جنبه نظامی، سپاه پاسداران

فعالیت اقتصادی بیشتری دارد ولی در دهه‌های اخیر با اهمیت موضوع دیپلماسی عمومی و بحث مسائل فرهنگی و اجتماعی، سپاه پاسداران هم تلاش نموده است تا نقش پررنگ‌تری را ایفا نماید. از این‌رو، مطالعه حاضر در پی بررسی نقش سپاه پاسداران در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران از زمان تاسیس این نهاد تا امروز در قبال کشورهای اسلامی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

برای بررسی یک موضوع علمی، مطالعه نظریات و بینش‌های مرتبط و مطالعات انجام گرفته در ارتباط با آن موضوع و به اصطلاح، سوابق و ادبیات پژوهش، یک امر ضروری به نظر می‌رسد. در این مطالعه نیز برای ورود به موضوع دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به مرور مطالعات انجام گرفته پرداخته می‌شود. بنابراین در ادامه، مطالعات انجام گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق یعنی دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران، مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

داداندیش و احدی، ۱۳۹۰؛ جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: در این مقاله به بررسی جایگاه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و مباحث مربوط به سیاست خارجی پرداختند. نویسندگان بیان می‌کنند که تحولات عرصه بین‌الملل و قدرت گرفتن بیش از پیش بازیگران غیردولتی، موجب بروز تحولاتی در چگونگی عملکرد دیپلماسی شده است. امروزه دولت‌ها در قالب برنامه‌هایی برای برقراری ارتباط و تاثیرگذاری بر مخاطب عام و در چهارچوب دیپلماسی عمومی تلاش می‌کنند تا به برخی از اهداف سیاسی خود دست یابند. در این بین ایران، با توجه به قدرت نرم خود، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تاثیرگذاری بر مخاطبان جهانی دارد.

پورحسن، ۱۳۹۰؛ دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه جانبه: این مقاله رابطه بین «دیپلماسی عمومی نوین» و «دفاع همه جانبه» را بررسی می‌کند. رسانه‌های نوین ارتباطی به ویژه آنچه به «وب ۲» مشهور شده و زمینه تشکیل شبکه‌ها و جنبش‌های اجتماعی مجازی را فراهم کرده‌اند، مهم‌ترین فناوری‌هایی هستند که ماهیت بسیاری از مفاهیم و کارکردها از جمله «دیپلماسی» و «دفاع» را متحول کرده‌اند. این رسانه‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند که با بهره‌برداری صحیح از آنها، دفاع همه جانبه در شرایط جدید، امکان پذیر است. در دیپلماسی عمومی نوین، طیف گسترده‌ای از افراد با عضویت در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در حوزه دفاع از منافع و امنیت ملی کشور خود، ایفای نقش کنند. اگر در دیپلماسی رسمی، بین نمایندگان رسمی دولت‌ها، رابطه برقرار می‌شود و در دیپلماسی عمومی سنتی، یک دولت، گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد جامعه خاصی را مخاطب قرار می‌دهد، در دیپلماسی عمومی نوین، شبکه گسترده‌ای از افراد در دو جامعه و یا در عرصه بین‌المللی یکدیگر و حتی دیگران را مخاطب قرار می‌دهند. این مقاله ضرورت توجه به رسانه‌های یاد شده و چگونگی بهره‌برداری از آنها در دفاع همه جانبه را در پرتو دیپلماسی عمومی نوین تبیین می‌کند.

دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی؛ در این مقاله آمده است که نقش و اهمیت مردم در انقلاب اسلامی و ماهیت و اهداف فراملی آن باعث

صورت نگرفته است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر از منظری تحلیلی تلاش می‌کند تا نقش سپاه پاسداران در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد.

چارچوب نظری

تعاریف و تعابیر متفاوت و مختلفی از دیپلماسی عمومی^۱ مطرح می‌شود که برخی ابعاد و وجوه آن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند. برخی دیپلماسی عمومی را نوعی تبلیغات تعریف می‌کنند که دیپلمات‌ها و سیاستمداران برای تأثیرگذاری و شکل‌دهی به افکار عمومی خارجی صورت می‌دهند. برخی دیگر، دیپلماسی را متفاوت و متمایز از تبلیغات و جنگ اطلاعاتی می‌دانند. چرا که در جنگ تبلیغاتی و اطلاعاتی بیشتر بر سلطه بر جریان اطلاعات و ارتباطات تأکید می‌شود، اما در دیپلماسی عمومی بیشتر بر ایجاد یک فضای گفت‌وگو، دموکراتیک هابرماسی تأکید می‌شود که هدف آن یافتن برداشت‌ها و ارزش‌های مشترک از طریق گفت‌وگو می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۷۵). به طور کلی، اصطلاح دیپلماسی عمومی در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل، عبارتی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی عملتاً برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد و نخستین بار در دانشکده حقوق و دیپلماسی دانشگاه تافتز آمریکا در سال ۱۹۶۵ توسط آلموند گولیون^۲ به کار رفت که دیپلماسی عمومی با تأثیر افکار عمومی بر روی شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی در ارتباط است. از نظر وزارت خارجه آمریکا، دیپلماسی عمومی به برنامه‌هایی که با هدف ارائه اطلاعات و تأثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی کشورهای خارجی اجرا می‌شوند و از سوی دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند، اطلاق می‌شود (Wolf & Rozen, 2004). اما نیکلاس کال^۳ با این که مساعی گولیون را برای رواج دادن این اصطلاح از طریق ترویج مطالعه و اعمال شیوه‌های آن ارجح می‌گذارد یادآور می‌شود که گولیون خود این مطلب را انکار کرده است. به عقیده کال، خود اصطلاح دیپلماسی عمومی یک پروپاگاندا محسوب می‌شود (Cull, 2003: 10). مرکز مورو^۴، دیپلماسی عمومی را تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل می‌داند که فراتر از دیپلماسی سنتی عمل می‌کند و عواملی نظیر شکل‌دهی به افکار عمومی در سایر کشورها، تعامل میان گروه‌های خصوصی یک کشور با منافع گروه‌های خصوصی در کشوری دیگر، برقراری ارتباط میان کنشگرانی نظیر دیپلمات‌ها و فرستادگان به خارج و فرایندهای ارتباطات میان فرهنگی از جمله عناصر این دیپلماسی هستند (آشنا، ۱۳۸۳: ۲۶۲-۲۲۷).

اندیشمندان بسیار دیگری تعاریف مختلف و متنوعی از این دیپلماسی عمومی ارائه دادند. برخی دیپلماسی عمومی را به‌عنوان یک ابزار ایدئال برای ارتقای فهم متقابل می‌دانند. گریفین مالون^۵، درک دیگران را به‌عنوان اساس موفقیت دیپلماسی عمومی می‌داند و بر این باور است: اگر به دنبال

^۱ Public Diplomacy

^۲ Almond Gullion

^۳ Nicholas Cull

^۴ . مرکز مورو یک مرکز اختصاصی در دانشگاه تافت آمریکا برای آموزش و پژوهش درباره دیپلماسی عمومی می‌باشد.

^۵ Griffin Malone

تلاش برای موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌هایمان در جامعه هدف باشیم باید ابتدا به یادگرفتن، زبان، فرهنگ، تاریخ و روانشناسی مردمی که می‌خواهیم با آنها ارتباط برقرار کنیم بپردازیم (Gurgu & Cociuban, 2016: 156). برخی دیگر از اندیشمندان نیز معتقدند هدف دیپلماسی عمومی این است تا بر روی ادراک و شیوه زندگی مردم و همچنین سیاست‌های دولت‌های خارجی اثر بگذارد. در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل که در سال ۱۹۸۵ میلادی توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا منتشر شده، دیپلماسی عمومی را اینطور تعریف کرده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها، اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر، مبادلات فرهنگی، رسانه‌های عمومی نظیر: رادیو و تلویزیون و اینترنت است (خادم‌زاده؛ ایزدی و سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۱۱). فردریک در این زمینه بیان می‌کند: «فعالیت‌های دیپلماسی عمومی به زمینه‌های اطلاعاتی، آموزشی و فرهنگی معطوف است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن دولت‌های خارجی به واسطه نفوذ در شهروندان است». کامبس^۶ و سیگنیتزر^۷، «دیپلماسی عمومی را به عنوان روشی که در آن، هم دولت‌ها؛ هم افراد و هم گروه‌های خصوصی به طور مستقیم و غیرمستقیم گرایش‌ها و عقاید عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آنها به طور مستقیم بر تصمیمات سیاست خارجی دیگر دولت‌ها تأثیر می‌گذارند» تعریف می‌کنند (توکلی و نژادزنده، ۱۳۹۱: ۲۵۳).

هانس تاچ^۸ نویسنده کتاب ارتباط با جهان نیز دیپلماسی عمومی را تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دهی محیط ارتباطات در خارج می‌داند به گونه‌ای که سیاست خارجی کشورها به اجرا درآید و میزان ناآگاهی و شناخت‌های نادرست از روابط پیچیده بین یک کشور و دیگر کشورها کاهش یابد. بدین خاطر از نظر تاچ، دیپلماسی عمومی فرآیندی دولتی برای برقراری ارتباط با مردمان خارج در راستای ایجاد فهمی از ایده‌ها و آرمان‌ها، نهادها و فرهنگ و نیز اهداف سیاسی و خط‌مشی‌های ملت خود است. به عبارت دیگر، برنامه‌های طراحی شده بوسیله دولت به منظور اطلاع‌رسانی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی در کشور دیگر تعریف شده است (Tuch, 1990: 8-30). در واقع، از نظر وی، دیپلماسی عمومی یک فرایند حکومتی برای ارتباط با مردم کشورهای خارجی تلقی می‌شود که در برگیرنده تلاش‌هایی است که یک کشور به منظور اثرگذاری بر افکار عمومی برای ایجاد تصویر مثبت از عقاید و ایده‌ها، نهادها و فرهنگ، اهداف و سیاست‌های ملی خود انجام می‌دهد. این مفهوم در برگیرنده تلاش‌هایی است که فراتر از روابط ملی، حکومت‌ها به منظور ایجاد تفاهم، مذاکره، اصلاح و اثرگذاری بر مخاطبان خارجی انجام می‌دهند تا از این طریق مبنایی برای ایجاد اعتماد به سیاست‌ها و منافع ملی طرفین انجام شود (ایزدی و ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۳۸).

⁶ Coombs

⁷ Signitzer

⁸ Hans Tuch

در واقع، دیپلماسی عمومی یکی از انواع دیپلماسی است که در مقابل دیپلماسی رسمی و سنتی به کار می‌رود. به عقیده جوزف نای، دیپلماسی عمومی ابزار قدرت نرم و قدرتی اقماعی مبتنی بر جاذبه‌های خود که برای جلب موافقت عمومی است می‌باشد.

از سوی دیگر، هر اندازه که در دیپلماسی سنتی بر استفاده از روابط رسمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی تأکید می‌شود؛ در دیپلماسی عمومی تأکید بر ایجاد جذابیت در کشور دیگر خودنمایی می‌کند. به شکلی که یک کشور بتواند با ارائه یک چهره مثبت و سازنده از خود نگاه احترام آمیز و دوستانه‌ای را در دیگر کشورها ایجاد کند (امیرزاده؛ زینالی و زمانی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۳۱). در مجموع دیپلماسی عمومی پایه و اساس انواع دیپلماسی‌هایی است که با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات و به تناسب پیشرفت نوآوری‌های آن با اصطلاحاتی ترکیبی متشکل از نام آن فناوری و یا نرم‌افزار همراه با دیپلماسی، مطرح می‌گردد. بنابراین دیپلماسی عمومی در عصر اطلاعات و در جهان سیاست به جایگاهی ویژه دست یافته است. در این نوع از دیپلماسی، بر ترکیبی از فعالیت‌های بازیگران دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی تأکید می‌شود. با این حال، لازم به یادآوری است که کماکان گرداننده اصلی، دولت و دستگاه سیاست خارجی است که در جهت اهداف مورد نظر خود بخش خصوصی و غیردولتی را هدایت می‌کند (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸۴-۶۸۳).

دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

امروزه جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی خود، نوعی رسالت جهانی و اسلامی برای خود قائل است که براساس آن می‌بایست وظایف و تکالیف دینی و اسلامی را برعهده بگیرد و براساس همین نگرش است که اصول و اهداف خود در عرصه بین‌المللی را تدوین نموده و در چارچوب آن عمل می‌کند. نگاهی به بندهای مختلف در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درک درستی از رسالت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای خود در نظر گرفته را مشخص می‌کند (خادم‌زاده؛ ایزدی و سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۰۸). جمهوری اسلامی با توجه به اهداف و آرمان‌های خود و همچنین حیطه دائماً رو به گسترش نفوذ سیاست خارجی آن و رسالت اسلامی و انقلابی که به نوعی وضع موجود حاکم بر جهان را نفی می‌کند، همواره تلاش کرده تا از ابزارهای اعمال قدرت برای نیل به اهداف خود بهره جوید (متقی و شایسته، ۱۳۹۶: ۴۶)، چرا که سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ذات و ماهیت خود دیپلماسی یک دولت نیست و به مرزهای حقوقی و رسمی آن محدود نمی‌شود، بلکه دیپلماسی انقلاب اسلامی است. از آنجا که مخاطب انقلاب اسلامی ملت‌ها هستند ایران اسلامی سعی کرده تا از طریق طرح ارزش‌ها در سیاست خارجی خود، افکار عمومی مردم جهان به‌خصوص ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح شده خود را به‌هنگار تبدیل سازد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با مخاطب قرار دادن مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان و بهره‌گیری از پیام استقلال‌طلبانه و استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان، مطرح کردن استقلال، آزادی و عدالت‌خواهی در عرصه بین‌المللی و با آگاهی‌بخشی به افکار عمومی جهانی خواستار تحولات محیط بین‌المللی است (یزدانی و نژادزندی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۲). جمهوری اسلامی ایران سعی کرده

است در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی خود همواره بُعد مردمی و عمومی روابط را وجهه همت خود قرار داده و از ابتدای شکل‌گیری در کنار روابط رسمی با دولت‌های دیگر در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای خود و مقابله با تبلیغات رسانه‌ای و رفع اتهامات علیه کشور و ارائه تصویری صحیح از خود در جهان از یک‌سو و پیشبرد منافع ملی و تحقق سیاست خارجی از سوی دیگر به ارتباط با افکار عمومی کشورهای دیگر توجه ویژه داشته باشد. بدین ترتیب، سابقه استفاده از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران به سال‌های اول انقلاب اسلامی باز می‌گردد. دیپلماسی عمومی ایران، فرآیندی است که بواسطه آن دولت ایران ارتباطات و روابط مستقیم با مردم یک کشور خارجی برقرار می‌کند تا منافع ملی را توسعه و تأمین کند و ارزش‌های خود را در آن جامعه بسط و گسترش دهد. به تعبیری دیگر، دیپلماسی عمومی، فرآیند ارتباط جمهوری اسلامی ایران با عموم مردم کشورهای دیگر جهت شناساندن اندیشه‌ها، آرمان‌های ملی، نهادها، فرهنگ و هنجارها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورها و حکومت‌های متخاصم بر مبنای اولویت و ارجحیت رابطه با ملت‌ها، از دیپلماسی عمومی و مردمی سود می‌برد. از این‌رو، تعامل با گروه‌های غیردولتی و جنبش‌های آزادیبخش در منطقه در دستور کار دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفت و صدور مسالمت‌آمیز به معنای اشاعه آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز از جایگاهی بالا در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برخوردار گردید (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

بنابراین ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانست از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره‌بردارد، به‌ویژه که رسالت انقلاب اسلامی فرهنگی بود و با شعارها و ویژگی‌های مشخص اسلامی — مردمی، در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی پیدا کند. از مهم‌ترین شعارهای آن‌ها می‌توان به تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم‌سالاری دینی در چارچوب فکری امام خمینی (ره) اشاره کرد. این گفتمان فکری در منطقه و جهان مورد توجه قرار گرفت و از نظر فکری و مبانی ایدئولوژیک، بسیاری از مردم و جنبش‌های آزادی‌خواه را تحت تأثیر قرار داد و از آنجایی که گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق نیز تأکید دارد از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار بوده و می‌تواند از طریق دیپلماسی عمومی، قدرت نرم کشور را تقویت کند (Sharp, 2005: 115). با وجود این تجربه موفق، ایران در سال‌های بعد نتوانست از قدرت نرم بهره‌مورد انتظار را ببرد. چرا که مشکلات ناشی از جنگ با عراق باعث شد تا مهم‌ترین اولویت ایران، دفاع از سرزمین خود باشد و بعد از جنگ نیز به دلیل شرایط حساس منطقه‌ای، جمهوری اسلامی نیز مجدداً سیاست‌های امنیتی و تقویت توان نظامی و قدرت سخت را در اولویت خود قرار داده است (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). اما روی کار آمدن دولت خاتمی در ایران و تداوم سیاست تنش‌زدایی باعث شده است تا روابط نسبتاً گرمی با کشورهای منطقه داشته باشد و توانسته است در بحث برنامه هسته‌ای و مذاکرات با کشورهای اروپایی، گفتگوهای سازنده را جایگزین گفتگوهای انتقادی کند و با مطرح ساختن ایده «گفتگوی تمدن‌ها» نقش مولفه‌های فرهنگی را در سیاست خارجی ایران در سطح جهان برجسته کند. در واقع در این دوره، مفهوم دیپلماسی عمومی به طور جدی به واژگان سیاسی

ایران وارد می‌گردد (موسوی خورشیدی، ۱۳۹۴: ۷۸). از این‌رو، جمهوری اسلامی طی سال‌های اخیر، سیاست‌هایی در دستور کار خود قرار داده است که از طریق آن‌ها بتواند قدرت و نفوذ فرهنگی خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش دهد و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. در سیاست خارجی ایران، تعامل و ارتباط با کشورهای اسلامی از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، تنش‌زدایی و تلاش برای اعتمادسازی متقابل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص با کشورهای اسلامی و جهان سوم از محورها و برنامه‌های مسئولان جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب، ایفای نقش موثر و فعال در تحولات منطقه‌ای و گسترش همکاری‌های دو و چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی با کشورهای مسلمان و جهان سوم؛ تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویری روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و عرضه دکترین مردم‌سالاری دینی به کشورهای اسلامی؛ همزیستی توأم با واقع‌بینی با کشورهای مسلمان منطقه و نیز تعاملات گسترده با کشورهای آفریقایی و اسلامی فرامنطقه‌ای؛ سیاست نگاه به شرق و جنوب — جنوب با تأکید بر کشورهای آفریقایی و اسلامی فرامنطقه‌ای از جمله استراتژی‌ها و راهبردهای ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی است (توکلی و نژادزندی، ۱۳۹۱: ۲۶۴-۲۶۳). به‌طور کلی، استفاده از قدرت نرم در کنار دیگر منابع قدرت نظیر توان اقتصادی، نظامی و امنیتی می‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی کشور باشد. چنانکه با شروع تحولات اخیر خاورمیانه و خیزش‌های عربی، جمهوری اسلامی توانسته است بر افکار عمومی ملت‌های منطقه تأثیر بگذارد و از آن به عنوان اهرم و عاملی در جهت تأمین منافع ملی خود بهره‌برد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

برای مدت زمان بسیار طولانی این باور رایج بود که «دیپلماسی، اولین خط دفاع و دفاع، آخرین خط دیپلماسی» است. بر این اساس، دیپلمات‌ها وظیفه اصلی را در تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور بر عهده داشتند و نظامیان تنها باید زمانی وارد عرصه دیپلماسی می‌شدند که همه‌ی روش‌های غیرنظامی به شکست انجامیده باشد. از این‌رو، میان دیپلماسی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی و دفاع به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست دفاعی، خط و مرز مشخصی وجود داشت و ورود حوزه‌ی دفاعی و نظامی در عرصه‌ی دیپلماسی اغلب با بی‌اعتمادی دیپلمات‌ها نسبت به این امر همراه بود. اما پس از جنگ سرد تغییرات چشمگیری در محیط امنیتی بین‌الملل شکل گرفت و همکاری‌های مختلفی میان کشورها در حوزه نظامی و دفاعی ایجاد شد و نقش‌آفرینی مؤثر نیروهای نظامی در زمان صلح به تأمین منافع و اهداف ملی کشور کمک شایانی نموده است (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲).

دیپلماسی عمومی از لحاظ رویکرد و کارکرد مؤثر آن، از جایگاه ارزنده‌ای نزد تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این نوع دیپلماسی در دهه اخیر مورد توجه جدی مسئولان کشور قرار گرفته است. پیگیری دیپلماسی عمومی با توجه به تهدیدات و چالش‌های بوجود آمده علیه ایران ضروری است و از لحاظ پیشگیری و مهار تهدیدات، بخش دفاع با تکیه بر فعالیت‌های

دیپلماتیک، می‌تواند در ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل میان کشورهای منطقه نقش اساسی و مطلوبی را ایفا نماید. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در سال‌های اخیر توانسته است خود را به یکی از بازیگران اصلی در عرصه دیپلماسی و بالانحص دیپلماسی عمومی تبدیل نماید. سپاه پاسداران از مهم‌ترین بازوهای نظامی و سیاسی ایران در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای است و در زمینه دیپلماسی عمومی و نشانیدن ایران در قلب‌ها و افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای مسئولیت اساسی دارد. در حقیقت این سازمان، در عین فعالیت در حوزه دفاعی و نظامی به منظور دفاع از تمامیت ارضی کشور، پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی را در هر حوزه (اقتصادی، فرهنگی و ...) وظیفه خود می‌داند و در عین حال که پس از پایان جنگ از تمامی امکانات خود برای سازندگی کشور بهره برد. لیکن با توجه به اینکه دشمن تجاوزات خود را از فاز نظامی (جنگ سخت) به فاز فرهنگی (جنگ نرم) وارد نموده، به علت دارا بودن قابلیت انعطاف در مقابل تهدیدات در عین حفظ آمادگی نظامی، خود را برای مقابله با تهدیدات فرهنگی دشمن مهیا نموده و در حوزه دیپلماسی عمومی حضور قاطع یافته و تلاش دارد بازیگری مؤثر در این زمینه باشد.

سپاه پاسداران و مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی

از آنجایی که دیپلماسی عمومی دارای مولفه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و مبادله‌ای/اقتصادی است. از این‌رو، نویسنده در این بخش تلاش دارد تا مولفه‌های دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران را بررسی کند.

- سپاه پاسداران در حوزه فرهنگی

امروزه دیپلماسی فرهنگی با هدف اثرگذاری بر نگرش افکار عمومی به منظور شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی، فراتر از دیپلماسی سنتی مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی در دیپلماسی فرهنگی، برقراری ارتباط با مردم، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی از طریق فرایندهای بین‌فرهنگی و به سبب ارائه تصویری مثبت از اهداف کشور است و بی‌توجهی به آن می‌تواند به ضعف مهمی در سیاست خارجی کشورها و به دنبال آن جایگاه و منزلت آن‌ها در عرصه بین‌المللی تبدیل گردد (ذوالفقاری و دشتی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). در این راستا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بازیگران مهم ایران در محیط بین‌المللی در این عرصه حضور مؤثری دارد و به فعالیت فرهنگی در دیگر کشورها می‌پردازد. در حقیقت، در زمانی که قدرت نرم و نقش فرهنگ‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است سپاه قدس که به عنوان شعبه نظامی بین‌الملل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند، به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد. این فعالیت‌ها در میان مردم عراق، سوریه، لبنان و شرق اروپا نمود بیشتری دارد (فیروزی، ۱۳۹۰: ۲۱۷). با نگاهی به فعالیت‌های مجموعه فرهنگی سپاه پاسداران در می‌یابیم که این نهاد با اقدامات فرهنگی خود به دنبال ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا و مثبت از کشور در داخل و نزد افکار عمومی کشورهای دیگر است. به‌طوری‌که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی بسته به شرایط داخلی و خارجی رویکردهای فرهنگی متفاوتی اتخاذ کرده است. امروزه نیز اقدامات فرهنگی سپاه با توجه به شرایط حاکم بر کشور در منطقه و در سطح بین‌المللی تغییر کرده است. به‌گونه‌ای که رهبر انقلاب در این

زمینه بیان کردند: کاری که دشمن دارد از لحاظ فرهنگی می‌کند نباید یک تهاجم فرهنگی حساب کرد بلکه یک شیبخون فرهنگی است، یک غارت فرهنگی است، یک قتل عام فرهنگی است. از سوی دیگر وقوع تحولات ۲۰۱۱ در منطقه نیز مجموعه سپاه پاسداران را به واکنش واداشت. این نهاد سعی داشت با اقدامات خود افکار عمومی مردم منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. لذا حضور نظامی نیروی قدس سپاه پاسداران در برخی از کشورهای منطقه نظیر دو کشور عراق و سوریه در جهت حمایت از آنها در مقابله با گروه‌های تروریستی در این زمینه تفسیر می‌گردد و تلاش می‌دارد تا با اقدامات خود ضمن تسخیر قلوب و افکار عمومی منطقه به افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در حوزه قدرت نرم کمک شایانی بنماید. شایان ذکر است که تأثیرپذیری جوانان کشورهای منطقه از رزمندگان ایرانی به‌خصوص فرمانده سابق سپاه قدس ایران، شهید سلیمانی بی‌نظیر بود و وی را به چهره‌ای کاریزما در میان شهروندان منطقه و محور مقاومت تبدیل کرده بود و حضور گسترده و میلیونی مردم در دو کشور عراق و ایران در مراسم تشییع جنازه شهید سلیمانی، ابومهدی المهندس و دیگر هم‌زمانشان ادله‌ای بر این نشانه است.

- سپاه پاسداران در حوزه رسانه‌ای

فضای جدید دیپلماتیک، ضرورت استفاده از دیپلماسی عمومی را بالا برده است. به مدد فناوری‌های جدید ارتباطی، زمینه مناسب برای ارتباط با افکار عمومی در کنار اقناع و تأثیرگذاری بر آنها از طریق رسانه‌های جهانی فراهم است. بازخوردهایی که در نتیجه عملکرد دیپلماسی عمومی فراهم می‌شود، برای بسیاری از تصمیم‌گیران، سیاست‌گذاران و تعیین اهداف آینده دستگاه‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی مفید است و درست به این دلیل که گفتمان‌سازی، تصویرسازی و اقناع دیگران در تعاملات دیپلماتیک و سیاست خارجی جایگاهی جدید یافته‌اند، نقش رسانه‌ها در پردازش و اقناع دیگران بسیار مهم‌تر از گذشته شده است (کشاورز شکر، بیات و بخشنده، ۱۳۹۲: ۱۲). در واقع مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها در فرآیندی سیاسی ایفا می‌کنند پل ارتباطی برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی سیاستگذاران و جامعه نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر و اتفاقات و رویدادهای سیاسی است. تجربه نشان داده است که رسانه‌ها پیش از وظیفه واسطه‌گری ارتباط، نقش‌ها و کارکردهای وسیع‌تری را در ارتباطات سیاسی به اجرا در می‌آورند. که از آن جمله تأثیر بر افکار عمومی و سپس تأثیر بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی است (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۱). بنابراین رسانه‌ها از دیرباز توانسته‌اند جایگاه خود را در بین جامعه حفظ کنند و امروز اهمیت رسانه برای همه مردم در نقاط مختلف آشکار است. در این بین، یکی دیگر از محورهای دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران استفاده گسترده از ابزارهای رسانه‌ای، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی است. این سازمان نیز از فرصتی که آن رسانه‌ها برایش فراهم می‌آورد استفاده می‌کند و در مواقع لزوم ضمن تشریح سیاست‌ها و برنامه‌های خود، مواضع و سیاست‌های دولت آمریکا و کشورهای غربی درباره مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای را به چالش می‌کشاند. اگر سپاه پاسداران مهم‌ترین بازوی نظامی و سیاسی ایران در سیاستگذاری‌های منطقه‌ای است لیکن مهم‌ترین مسئولیت را نیز در دیپلماسی عمومی و

نشان دادن ایران در قلب‌ها و ذهن‌ها هم برعهده دارد. براساس برخی از نظرسنجی‌های داخلی و خارجی، سردار سلیمانی در قلب سپاه پاسداران، به عنوان چهره‌ای محبوب شناخته می‌شود. این امتیاز برجسته‌ای است که می‌باید در بیرون از مرزها به نمایش گذاشته شود. علاوه بر این، مصاحبه‌های سردار سلیمانی با شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌های معتبر در غرب و جهان عرب در تلطیف تصویر مبهم، آزار دهنده و رازآلود از مهم‌ترین سردار ایرانی و به‌کار بستن استراتژی قانع‌سازی در دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران مفید است. امروزه نیز این نهاد می‌بایست پس از شهادت سردار سلیمانی از تمامی ظرفیت‌های خود با همکاری سایر نهادها علی‌الخصوص سازمان صدا و سیما ایران در دو حوزه داخلی و بین‌المللی برای به تصویر کشاندن مکتب این شهید به جهانیان اقدام نماید.

در مجموع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بازیگران اصلی در صحنه سیاست داخلی و خارجی ایران به سبب همسویی مواضع آنها با سیاست‌های حاکم بر نظام جمهوری اسلامی از حمایت کامل و قاطع رسانه‌های فعال ایران در دو حوزه داخلی و بین‌المللی برخوردار است و سپاه پاسداران به بهترین نحو از دیپلماسی رسانه‌ای در جهت منافع ملی کشور استفاده می‌کند.

- سپاه پاسداران در حوزه اقتصادی

منابع اقتصادی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در قدرت نرم ملی کشورها به حساب می‌آیند. دو جنبه مهم قدرت اقتصادی شامل قدرت مستقیم (آشکار) و قدرت غیرمستقیم (پنهان) می‌شود. قدرت اقتصادی مستقیم نوعی از قدرت اقتصادی است که هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت به‌کار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی بر می‌گردد. اما قدرت اقتصادی غیرمستقیم به رشد فزاینده وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان اشاره دارد که معمولاً با شاخص‌های نفوذ و وابستگی قابل شناسایی است (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳). در جمهوری اسلامی ایران، هنگامی که موفقیت‌های ناشی از جهاد اقتصادی، تصویری موفق و جذاب از انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور به نمایش بگذارد، در آن صورت قدرت نرم جمهوری اسلامی به شکل غیرقابل باوری افزایش خواهد یافت. موفقیت‌های اقتصادی ایران سبب می‌شود که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت دینی الگو در جهان اسلام و حتی در سایر نقاط جهان مورد توجه قرار گیرد. در آن صورت ارزش‌های انقلاب اسلامی قدرت بیشتری جهت شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های سایر جنبش‌های اسلامی خواهد داشت. بنابراین توفیق ناشی از فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند زمینه مهمی جهت تبدیل شدن ایران به یک کشور الهام‌بخش را فراهم سازد. از این رو، نمایش دادن تصویر کامیابی اقتصادی کشور، یک شرط لازم و نه کافی جهت تصرف ذهن‌ها و قلوب مردم و یکی از منابع صدور انقلاب اسلامی به شمار می‌رود (جعفری و قربی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). از سوی دیگر، کمک‌های اقتصادی به مردم و کشورهای فقیر یکی از منابع افزایش قدرت نرم هر کشور به شمار می‌رود. با این اوصاف، اقتصاد مقتدر در سطح ملی و قابلیت الگو شدن اقتصادی در سطح منطقه و

جهان می‌تواند ارتقاء دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باشد که مبتنی بر رفتار حمایت‌گراانه از مستضعفان جهانی و امت اسلامی است و توانمندی اقتصادی به هیچ عنوان در راستای فشار و تحریم سایر کشورها برای دستیابی به مطامع دنیوی به کار نمی‌رود (قربی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷). از این رو، مساعدت به کشورهای نیازمند، همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، تلاش برای رفع چالش‌های اقتصادی جهان اسلام، کمک‌های بشردوستانه در سوانح طبیعی و غیرطبیعی به ملت‌ها و کشورهای دیگر، همیاری با آوارگان جنگ‌های خانمان‌سوز منطقه خاورمیانه و ... همگی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید و در عین حال، ماهیت کمک‌های اقتصادی ایران نیز بشردوستانه و مبتنی بر صداقت و دوستی با ملت‌ها می‌باشد و هرگز کشور ایران از اهرم اقتصادی برای فشار بر ملت‌های آزاده بهره نمی‌گیرد (جعفری و قربی، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

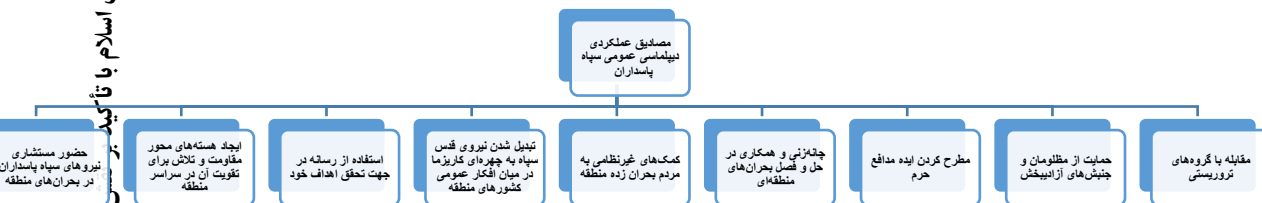
از سال‌های پایانی دهه شصت و آغازین دهه هفتاد در ادبیات کشور به نام دوران سازندگی یاد می‌شود که وجه تسمیه آن نیز محوریت پیدا کردن بازسازی ویرانی‌های جنگ و هم‌چنین تدوین اولین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور است. در این دوران با استناد به اصل ۱۴۷ قانون اساسی و به بهانه استفاده از ظرفیت‌های موجود، با تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیا و هم‌چنین ثبت تعدادی شرکت تجاری اقماری زمینه‌های ورود رسمی پاسداران به مسائل اقتصادی فراهم شد. این فعالیت‌ها در طول تمام سالیان گذشته ادامه یافته است و از نظر کمی و کیفی هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که در حال حاضر حوزه‌های مختلفی از نفت و آب و جاده و سد گرفته تا موشک و خودرو و ... را شامل می‌شود.

قرارگاه خاتم‌الانبیا به عنوان بازوی مهندسی و پیمانکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مطرح است. سپاه پاسداران از قرارگاه خاتم‌الانبیا به منظور گسترش نفوذ و جای پای خود در خارج از مرزهای ایران استفاده می‌کند. به عنوان مثال، ایران یکی از فعال‌ترین کشورهای سازنده سد در جهان است. از آنجایی که هر شرکتی که در چنین ساخت‌وسازهای سنگینی در ایران کار می‌کند، به قرارگاه خاتم‌الانبیا وابسته است، اینگونه فعالیت‌های تهران، محبوبیت جمهوری اسلامی را در کشورهایی افزایش می‌دهد که دولت آن کشور به توسعه آن‌ها کمک کرده است. به طوری که در خلال جنگ داخلی سوریه، ایران که به دنبال حضور نیروهایش نه تنها در سوریه، بلکه هم‌چنین در شمال لبنان بود، قراردادی را برای ساخت یک سد در شمال لبنان منعقد کرد. در حوزه صنعت خودروسازی نیز ایران با افتتاح کارخانه‌های ایران خودرو در آذربایجان، ونزوئلا، سنگال و بلاروس، سپاه پاسداران را قادر می‌سازد تا ضمن اشتغال‌زایی در این کشورها، به طبع ابعاد حمایتی خود را افزایش دهد (فرجی، ایرنا، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، حضور سپاه در عراق و سوریه و کمک به بازسازی این کشورها باعث طرح اتهام تروریست بودن علیه این سازمان شده است. این حضور، آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه را نگران کرده و باعث شده است که ترامپ این سازمان را تروریستی دانسته و رضایت نتانیاهو و سران متحد عربی خود را هم به دست آورد. علاوه بر این، برخی از کشورهای منطقه به دنبال آن بودند تا به وسیله قراردادهای وسوسه‌کننده به سوریه برای بازسازی این کشور، بین ایران و سوریه فاصله ایجاد کنند و از این طریق به دنبال خروج ایران از

سوریه بودند که انعقاد قرارداد میان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران و وزیر دفاع سوریه در تیرماه ۱۳۹۹ نشان داد که همکاری‌های ایران و سوریه به مانند گذشته همچنان به قوت خود باقی است. این قرارداد را صرفاً نباید از دید نظامی تحلیل کرد بلکه باید به دید اقتصادی هم نگاه کرد چرا که این قرارداد به ایجاد یک ائتلاف علیه تحریم‌های آمریکا کمک شایانی می‌نماید (دمیرچی، ۱۳۹۹).

اکنون که به همت شهدای مدافع حرم و سید شهیدان مدافع حرم، سردار شهید قاسم سلیمانی، منطقه از وجود داعش خالی شده است باید به وسیله دیپلماسی در عرصه‌های مختلف در بازسازی کشورهایی که در خط مقدم مبارزه با داعش حضور داشتند شرکت موثر داشت و از این طریق به تقویت اقتصاد کشور کمک کرد. در پایان این بخش می‌بایست یادآور شد که هر چند منطقه از لوس گروه‌های تروریستی نظیر داعش خالی شده است اما کماکان به صورت پراکنده در برخی کشورها وجود دارند و از آنجایی که کشوری نظیر سوریه تازه به یک فضای آرامی رسیده است بنابراین صحبت از حضور اقتصادی ایران و سپاه پاسداران علی‌الخصوص قرارگاه خاتم‌الانبیا در این مطلب نمی‌گنجد و باید در آینده به عملکرد آن پرداخته شود. اما در مجموع این نهاد به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در امر اقتصادی و بازسازی این کشورها کمک شایانی نماید و به افزایش نفوذ ایران و محبوبیت گسترده آن کمک کند.

مصادیق عملکردی دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران در قبال کشورهای اسلامی



- ایجاد هسته‌های محور مقاومت و تلاش برای تقویت آن در سراسر منطقه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای سپاه پاسداران در عرصه دیپلماسی عمومی، ایجاد و تقویت هسته‌های محور مقاومت در منطقه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی خود را بر موازنه‌گرایی با هدف مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ تنظیم نموده است.

شکل‌گیری مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه را می‌توان انعکاسی از آثار و نتایج هنجاری انقلاب اسلامی ایران دانست (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۸). نمونه بارز و موفق این الگو، حزب الله لبنان است که نقش مهمی در تحولات منطقه به‌ویژه رویارویی با رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند. این گروه که در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی تحت تأثیر اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) در لبنان شکل گرفت توانست با شعار «مبارزه با اسرائیل» وحدتی میان گروه‌های مختلف اعتقادی ایجاد کند و با هدف مقاومت برای شکست رژیم صهیونیستی و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی، جوانان را جذب کند. این جنبش با یاری و همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز خود را که به انقلاب اسلامی علاقه وافری دارند، آموزش داد و آن‌ها را در راه بسیج و سازماندهی علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۴۱). این موفقیت‌ها باعث شد تا ایران به ایجاد چنین گروه‌هایی به عنوان هسته‌های مقاومت و تقویت آن‌ها در کشورهای دیگر نیز مبادرت ورزد. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی به شکل‌گیری گروه حشدالشعبی در عراق کمک‌های بسیاری کرد و از تشکیل «دفاع وطنی» در سوریه حمایت‌های زیادی انجام داد. به‌طوری‌که یکی از اقدامات شهید همدانی در سوریه، سازماندهی دفاع وطنی به عنوان بسیج مردمی در سوریه بود که نقش چشمگیری در مبارزه با گروه‌های تروریستی داشته است (بهمن، ۱۳۹۶).

- حضور مستشاری نیروهای سپاه پاسداران در بحران‌های منطقه

زمانی که در ۱۳ تیرماه ۱۳۹۳ ابوبکر بغدادی در مسجد بزرگ «الدوله» موصل خود را خلیفه مسلمین اعلام کرد و هنگامی که شهر سنجار در ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۳ به تسلط داعش درآمد، کمتر تحلیلگری پیش‌بینی می‌کرد که بغداد و سلیمانیه نیز در روزهای بعد به دست عوامل این گروه فتح نگردد؛ اما نه بغداد و نه سلیمانیه به دست داعش نیفتاد؛ چرا که با درخواست و توافق دولت عراق، مستشاران نظامی سپاه پاسداران با محوریت نیروی قدس به عراق اعزام شده و به یاری ارتش و نیروهای مردمی عراق در کارزار علیه داعش شتافتند. در این زمان، نیروی قدس با طراحی طرحی فوری و ترسیم کمر بند امنیتی حول شهر بغداد و اعزام نیروهای خود به منطقه از یک سو و سازماندهی نیروهای عراقی از سوی دیگر، مانع سقوط شهر بغداد گردید. یا در موقعیتی که داعش به دروازه‌های اربیل پایتخت اقلیم کردستان عراق رسیده بود و جهان هر آن منتظر بودند تا با انفعال نیروهای خارجی در عراق از جمله آمریکا و ناتو، خبر اشغال آن توسط داعش را بشنوند حضور نیروهای محور مقاومت به فرماندگی سردار سلیمانی در میان کردها و پشتیبانی عمدتاً معنوی وی باعث شد که کردها با کمک گروه‌های مقاومت در مقابل داعش بایستند و مانع از سقوط اربیل و کردستان عراق توسط داعش شوند که اگر چنین نمی‌شد فاجعه‌ای انسانی در کردستان رخ می‌داد. در این راستا، سردار حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه در اظهاراتی در برنامه گفتگوی ویژه خبری که هیچگاه تکذیب نکرد، اعلام کرد: «سردار قاسم سلیمانی با هفتاد نفر مانع اشغال کردستان عراق توسط داعش شد» (رضایی، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

در سوریه نیز ماجرا چنین است. بر این اساس در شرایطی که سوریه دشوارترین مرحله بحران را سپری می‌کرد، با تصمیم عالی‌ترین مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران، نیروی قدس سپاه پاسداران مامور شد تا با جدیت بیشتری وارد صحنه سوریه شود و ضمن مقابله جدی با تروریست‌ها مانع سقوط نظام این کشور شود. اگر چه نیروی قدس در چارچوب وظایف و ماموریت‌های قانونی خود از دیرباز در سوریه کم و بیش حضور داشت و ارتباط نیروی قدس با سوریه تا پیش از بحران عمدتاً در حیطه پشتیبانی از گروه‌های مقاومت لبنان و فلسطین بود و تعامل گسترده‌ای با نظام دمشق وجود نداشت. اما وقوع بحران زمینه ارتباطات بیشتر نیروی قدس را با ساختارهای این کشور از دولت و ارتش گرفته تا بالاترین سطح یعنی ریاست جمهوری فراهم کرد. بنابراین حضور و سرکوب افراط‌گرایی سلفی - وهابی در سوریه و عراق توسط گروه‌های جبهه مقاومت و نیروهای جمهوری اسلامی که عملاً شهید سلیمانی پرچمدار آن بود (رهبر معظم انقلاب اسلامی از آنها به عنوان "رزمندگان بدون مرز" تعبیر می‌کند) مصداق بارزی از دیپلماسی عمومی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

- مقابله با گروه‌های تروریستی

مقابله با گروه‌های تروریستی توسط سپاه پاسداران نمونه‌ای دیگر از فعالیت‌های سپاه در حوزه دیپلماسی عمومی است. چرا که با مقابله با این گروه‌ها می‌تواند افکار عمومی این کشورها را به سمت خود جذب نماید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قربانیان اصلی پدیده تروریسم که به واسطه این پدیده شوم بیش از ۱۷ هزار نفر از مسئولان و مردم بی‌گناه خود را از دست داده همواره بر مبارزه جهانی با تروریسم و افراط‌گرایی تأکید داشته است. از این‌رو، مقامات عالی جمهوری اسلامی در سفرهای خارجی و ملاقات با سران دیگر کشورها یکی از دغدغه‌های خود را مسأله تروریسم دانسته و بر مقابله همه‌جانبه با آن پافشاری می‌کنند. به همین جهت هنگامی که دو کشور مسلمان و شریک ایران یعنی عراق و سوریه درگیر گروه‌های تروریستی نظیر داعش شدند، جمهوری اسلامی به عنوان اولین کشور برای دفاع از تمامیت ارضی دولت و ملت عراق و سوریه پیش‌قدم شد و با کمک‌های مستشاری خود به غلبه نیروهای نظامی و مردمی بر داعش کمک شایانی نموده است. لذا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت مدیریت راهبردی فرمانده کل قوا و از طریق مدافعان مظلوم حرم اعم از فاطمیون و زینبیون و حیدریون توانستند این توطئه بزرگ نظام سلطه را با نثار خون شهدا خنثی نمایند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۱). در حقیقت در سال‌های اخیر مبارزه با تروریسم همواره یکی از ابعاد مختلف دیپلماسی فعال ایران بوده است و جمهوری اسلامی به دنبال گسترش روابط و همکاری مشترک برای مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم بوده است. اوج همکاری نظامی ایران را می‌توان در بحران سوریه و همکاری با روسیه و سوریه دانست که دستاوردی بزرگ به همراه داشت و موجب آزادسازی بخش عظیمی از خاک سوریه از وجود تروریست‌ها گردید.

- حمایت از مظلومان و جنبش‌های آزادیبخش

یکی از اصول اساسی مکتب توحیدی اسلام، حمایت از مظلومان و ستمدیدگان صرف‌نظر از نژاد، رنگ و دین آنها می‌باشد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حق و عدل را از حقوق طبیعی همه‌ی مردمان جهان قلمداد می‌کند. بنابراین، در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی). در واقع دفاع از مستضعفان و مقابله با استکبار از مفاهیم اساسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. امام خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی، در این رابطه، سخنان متعددی دارند؛ از جمله: «اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آن‌هاست (امام خمینی، ۱۳۷۲). بر اساس این اصل و با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی- ایرانی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون حمایت از آرمان‌های ملت مظلوم فلسطین جزء لاینفک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این باره، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به این موضوع اهتمام ویژه‌ای دارد و اذعان دارند باید افکار عمومی شهروندان دیگر کشورها را با خود همراه سازند. نمونه آن، می‌توان به حمایت همیشگی این سازمان از مردم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی نام برد. به نوعی، حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان و آزادی قدس شریف همواره یکی از آرمان‌های جمهوری اسلامی در حمایت از نیروهای مقاومت در منطقه و مبارزه با رژیم صهیونیستی است؛ بنابراین در این بین نیروی قدس به عنوان بازوی برون‌مرزی سپاه پاسداران، همواره بیشترین حمایت‌ها را از نیروهای مقاومت فلسطینی و لبنانی انجام داده است (فیروزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). به‌گونه‌ای که یکی از نقاط درخشان فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل شاهد بودیم. در واقع حاج قاسم سلیمانی توانست استراتژی جمهوری اسلامی یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کند و هر روز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد. بنابراین یکی دیگر از محورهای دیپلماسی عمومی سپاه پاسداران حمایت از مظلومان و نهضت‌های آزادی‌بخش است.

- مطرح کردن ایده مدافع حرم

مدافعان حرم در واکنش به حمله گروه‌های تندرو تکفیری به سمت حرم حضرت زینب (س) شکل گرفت. مدافعان حرم اهل بیت یا به اختصار و مشهور به مدافعان حرم نیروهای شبه نظامی هستند که توسط حکومت جمهوری اسلامی ایران سازماندهی و به کشورهایی نظیر سوریه و عراق اعزام می‌شوند و هدف آنها حفاظت از حرم خاندان حضرت محمد (ص) می‌باشد و به گروه‌های همفکر در این کشورها کمک‌های مستشاری و عملیاتی می‌کنند. بیشتر افراد این گروه را نیروهای رسمی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران و بسیج تشکیل می‌دهند. شهید حاج قاسم سلیمانی در بخشی از خاطرات‌شان دلیل نامگذاری رزمندگان جبهه‌های مقاومت، به عنوان "مدافعین حرم" را بیان می‌کند:

من وقتی در اول بحران سوریه می‌خواستم این نام را انتخاب کنم، خیلی فکر کردم که اگر بخواهیم از قالب اسلامی کسی یا کسانی را برای دفاع از حرم جذب کنیم، چه نامی برای آنها بگذاریم؟ دیدم پرجاذبه‌ترین نام که می‌شود بر این حرکت جهادی جدید اطلاق کرد، نام «مدافعین حرم» است.

مقام معظم رهبری طی سخنانی فرموده‌اند که "که اگر مدافعان حرم در خارج از مرزهای ایران با دشمن مبارزه نمی‌کردند و جلوی دشمن را نمی‌گرفتند، دشمن به داخل کشور وارد شده و ما باید در کرمانشاه، همدان و دیگر استان‌ها با دشمن مبارزه می‌کردیم." در جایی دیگر در مورد لزوم اشاعه فرهنگ دفاع در خارج از خانه فرموده‌اند: "نباید به دشمن اعتماد کرد چرا که در ماه پایانی دفاع مقدس نیز علی‌رغم پذیرش قطعنامه از سوی ایران، متأسفانه باز صدام و ایادی منافقین از فرصت ایجاد شده (آتش بس) سوءاستفاده کرده و به داخل کشور رخنه کردند. زیرا لب مرز / بیرون خانه جلوی ما را نگرفتیم پس مجبور شدیم داخل خانه با او بجنگیم؛ اما حالا کیلومترها دور از خانه با او درگیر هستیم و جلوی ما را سد کرده‌ایم."

آنچه که در اینجا اهمیت دارد این است که واژه حرم در اینجا بسیار هوشمندانه انتخاب شده و عمل مدافعان حرم نه فقط حفظ حریم خانه اهل بیت علیهم السلام، بلکه حفظ حریم خانه ملت به عنوان بخشی از خانه خود و خانه دین و انقلاب اسلامی است. بنابراین حضور نیروهای سپاه پاسداران به عنوان مدافعین حرم از مصادیق و مؤلفه‌های اصلی در پیشبرد دیپلماسی عمومی توسط این نهاد می‌باشد. چرا که محافظت و نگهداری از حریم معصومین شریفین توسط نیروهای مستشاری سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به آن تأثیر بسیاری در جذب افکار عمومی مردم منطقه داشته است.

- چانه‌زنی و همکاری در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای

دیپلماسی عمومی دارای ظرفیت‌های متعددی است و در زمان منازعه می‌تواند با برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر، شرایط را برای پایان دادن به درگیری فراهم نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز با علم به این موضوع و با توجه به اشتراکات دینی، فرهنگی، تاریخی و تجاری میان کشورهای منطقه با جدیت تلاش کرده است تا بحران‌های ایجاد شده در منطقه را با همکاری کشورهای منطقه و همسایه حل و فصل گرداند. در این زمینه می‌توان به تلاش‌های سپاه پاسداران در حفظ و ثبات و امنیت در عراق پس از حمله آمریکا، همکاری و مشارکت با دو کشور عراق و سوریه در جهت مقابله با گروه‌های تروریستی نظیر داعش اشاره کرد.

سردار شهید سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دیپلمات در عالی‌ترین سطح دست به مذاکره می‌زد و همزمان در اجتماعات خیابانی با مردم در کوچه و بازار در ارتباط مستقیم و مستمر بود. در زمانی که افراط‌گرایان وهابی جبهه‌النصره و دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بخش قابل توجهی از سوریه را متصرف شده بودند و کاخ ریاست جمهوری سوریه در تیررس سلاح‌های سبک آنان قرار داشت با مسافرت به مسکو و مذاکره مستقیم با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه (در چارچوب کنش ارتباطی) وی را برای حضور نظامی در کنار

نیروهای مقاومت در سوریه مجاب کرد. حضور گسترده نظامی روسیه در حمایت از نیروهای مقاومت ورق را به سود نیروهای مقاومت در سوریه برگرداند و حلب، حمص، دیرالزور، درعا که به کانون‌های فعالیت افراط‌گرایان وهابی تبدیل شده بود و گذرگاه بوکمال در مرز با عراق که نقش مهمی در پشتیبانی از نیروهای مقاومت را بر عهده داشت توسط نیروهای مقاومت باز پس گرفته شد. با حضور نیروهای روسی در سوریه یکی دیگر از مهمترین اقدامات دیپلماتیک شهید سلیمانی آن بود که هماهنگی بین نیروهای مقاومت و نیروهای روسی به وجود آمد به گونه‌ای که کمترین تنش بین نیروهای مقاومت و نیروهای روسی در حمایت از دولت بشار اسد به وجود آید. نقش دیپلماتیک شهید سلیمانی در این بین تعیین کننده و کلیدی بوده است. از سوی دیگر، نقش دیپلماتیک شهید سلیمانی در مبارزه با داعش در عراق و سرکوب آنها در عراق نیز تعیین کننده بوده است. او رابطه تنگاتنگی با نیروهای کرد در کردستان عراق و نیروهای شیعه در مرکز و جنوب عراق برقرار کرد و توانست با حمایت از نیروهای حشد الشعبی (بسیج مردمی عراق) که با فتوای آیت الله سیستانی (در ۲۳ خرداد ۱۳۹۳) تشکیل شده بود، نقش پر رنگی در برقراری ارتباط و هماهنگی و انسجام با طیف‌های متعدد این نیروها (که عمدتاً از نیروهای شیعی تشکیل شده اما گروه‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن حضور دارند) داشته باشد و همچنین جریان‌های تاثیرگذار سیاسی در داخل عراق که یکی از مهارت‌های ویژه او بوده، داشته باشد. در واقع تلاش‌های دیپلماتیک شهید سلیمانی باعث شد تا او به عنوان دیپلماتی که از موقعیت‌های خطیر با موفقیت خارج می‌شود، شناخته شود. به گونه‌ای که جریان‌های سیاسی و افکار عمومی به ویژه در جهان عرب به درایت سیاسی و دیپلماتیک وی باور داشتند و ذهنیت دنیای عرب این مهم را پذیرفته بود که وی دیپلماتی کارکشته و صاحب سبک و همواره موفق است (عالمی، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، سردار سلیمانی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا بر اساس معادله قدرت و الگوی کنش راهبردی بازیگران به چانه‌زنی دیپلماتیک مبادرت نمود. هرگونه چانه‌زنی دیپلماتیک در سیاست راهبردی سلیمانی نشانه‌هایی از امنیت‌سازی را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. چانه‌زنی در بحران سوریه، عراق و حتی بحران یمن بخشی از فضای دیپلماسی انقلابی محسوب می‌شود. سردار سلیمانی توانست نقش موثری در بهینه‌سازی الگوهای مذاکراتی به وجود آورد. فرایند چانه‌زنی دیپلماتیک و مذاکره در ابعاد چندجانبه نقش موثری در فرایند دیپلماسی انقلابی غرب آسیا داشته است. نشانه‌های چانه‌زنی دیپلماتیک شهید سلیمانی را می‌توان در فرایندهای منازعات منطقه‌ای جستجو کرد (متقی و امینی، ۱۳۹۹: ۱۶).

- کمک‌های غیرنظامی به مردم بحران زده منطقه

حوزه نیروی قدس سپاه، حوزه خارجی و کمک به نهضت‌های اسلامی، توسعه انقلاب اسلامی و کمک به مقاومت و پایداری مظلومان در سراسر دنیا است و در کشورهای منطقه مثل لبنان، سوریه، عراق و دیگر کشورها که مردم به کمک نیاز داشته باشند، سپاه به‌وسیله نیروی قدس این کمک‌ها را انجام می‌دهد. مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز بارها رسماً این موضع را اعلام کرده‌اند که از ملت‌ها و دولت‌های قانونی عراق و سوریه حمایت می‌کنند، این کمک‌ها نوع و کم و کیف آن به

شکل حضور مستشاری، فکری، مشاوره‌ای، آموزشی و انتقال تجربیات از طریق نهادی نظیر نیروی قدس سپاه بوده است. چرا که رفتارهای حمایت‌گرایانه و خیرخواهانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مردم منطقه زمینه‌سازی برای تألیف قلوب و نزدیکی عاطفی و روحی نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ایران با تجارب خود در طول دهه‌های گذشته و در دوران جنگ تحمیلی و در برخورد با گروه‌های شورشی را به ملت‌های سوریه و عراق کمک کرده است، و این تجارب ملت ایران از سوی نیروی قدس سپاه پاسداران منتقل شده و توانسته مردم عراق و سوریه را به صحنه بیاورد و درکنار دولت‌ها قرار داده است و بصیرت و شناخت حاصل شده است. در بحبوحه جنگ ۳۳ روزه لبنان، سردار شهید سلیمانی پیامی از طرف رهبر معظم انقلاب به دبیرکل حزب‌الله ارسال کرد که حاکی از حمایت‌های مادی و معنوی کامل جمهوری اسلامی از حزب‌الله و مردم مظلوم لبنان است.

در واقع اتخاذ سیاست حمایت از مردم محروم و مظلوم منطقه از سوی نهادی نظیر سپاه پاسداران از یک سو عامل مهمی در شکل‌گیری و سامان‌دهی ارتباط با اقشار مختلف مردمی منطقه و از سوی دیگر عاملی برای تقویت دپلماسی عمومی است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد نظیر سپاه پاسداران رفتارهای حمایتی خود را در قالب دپلماسی عمومی ساماندهی و اجرایی می‌کند. بویژه آن‌که گرایش فطری عموم انسان‌ها به نوع‌دوستی و خدمات انسانی به هم‌نوعان (فارغ از مرزبندی‌های متعارف سیاسی، نژادی، مذهبی و قومی) زمینه مناسبی برای رفع سوءتفاهمات و رسیدن به همکاری سازنده میان دولت‌ها و ملت‌ها فراهم می‌آورد (درخشه و کمالی، ۱۳۹۵: ۴۱).

- تبدیل شدن نیروی قدس سپاه به چهره‌ای کاریزما در میان افکار عمومی کشورهای منطقه

نیروی قدس سپاه به فرماندهی سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی، قهرمان جنگ علیه داعش و نماد مبارزه علیه تروریسم در سوریه و سرتاسر منطقه است. محبوبیت نیروی قدس در میان شیعیان پاکستان به قدری است که پاکستانی‌ها در مبارزه با داعش حاضر شدند تحت حمایت نیروی قدس از حریم اهل بیت (ع) در عراق دفاع کنند. گردان «زینبیون» گروه نظامی سازماندهی‌شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران و پاکستان تشکیل داده‌اند. این گردان پس از حمله گروهک تروریستی «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راه‌اندازی شد.

یکی از شاخصه‌های مهم و کلیدی شهید سلیمانی این بود که همواره در خط مقدم مبارزه با گروه‌های تروریستی به‌ویژه در عراق و سوریه حضور می‌یافت و از برنامه‌ریزی تا هدایت جزئیات عملیات‌های نظامی علیه دشمن را عهده‌دار بود. از دیگر ویژگی‌های مهم وی، مشورت با فرماندهان میدانی در خط مقدم بود. دست این فرماندهان در اعمال روش‌های ابتکاری باز گذاشته می‌شد به‌گونه‌ای که هسته‌هایی در مجموعه‌ی او پدید آمده بود که هر کدام وظیفه و مسئولیت خود را به خوبی می‌دانستند. این ویژگی‌های ذاتی در کنار دیگر عوامل شهید سلیمانی و هم‌زمانش را در

میان ملل منطقه به چهره‌ای شاخص، کاریزما و الگو تبدیل کرده بود. به طوری که میزان محبوبیت شهید سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان شیعیان عراق و سوریه به میزان قابل توجهی افزایش یافته بود. از این رو، فارغ از اختلافات سیاسی جاری در عراق و سوریه و نیز وجود نگرش‌های مختلف، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه از مقبولیت، محبوبیت و احترام بالایی برخوردار است که پیام تسلیت همه گروه‌های سیاسی عراق و سوریه اعم از شیعه و سنی و کُرد و حضور پرشور مردم عراق در تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی و حضور برخی مراجع و روحانیان بلندیپایه نجف و کربلا در مراسم بزرگداشت این شهید بزرگوار و ابومهدی المهندس، دلایلی برای اثبات این مدعا محسوب می‌شوند. یا شرکت و سخنرانی اسماعیل هنیه در مراسم خاکسپاری شهید سلیمانی.

- استفاده از رسانه در جهت تحقق اهداف خود (دیپلماسی رسانه‌ای)

یکی از برنامه‌هایی که همواره در دستور کار سیاست خارجی کشورها قرار دارد، تقویت جایگاه کشور در افکار عمومی بین‌المللی است. این موضوع با توجه به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی و لزوم مقابله در برابر فضا سازی‌های سیاسی بنگاه‌های خبرپراکنی غربی از اهمیت ویژه‌ای در دستگاه سیاست خارجی برخوردار است. از طرف دیگر، از آنجایی که کشورها نسبت به رویدادها و روندهای سریع در حال وقوع جهانی واکنش سریع نشان می‌دهند، بخشی از این به ساختار و میزان انعطاف‌پذیری دستگاه دیپلماسی یک کشور و میزان استفاده آن از فناوری‌های نوین بستگی دارد. یکی از عناصر مهم دیپلماسی مجازی، شکل‌گیری سفارت‌خانه مجازی است. افزون بر تحرک دستگاه دیپلماسی رسمی، نقش دیپلمات‌های نوین (بازیگران غیردولتی نظیر سپاه پاسداران) در این مرحله تعیین‌کننده‌تر است. در صورتی که با تعلل، مرحله موضوع‌سازی (سوژه‌سازی) علیه کشور شکل گرفت، باید در مرحله بعدی، واکنش جمعی گسترده و مجازی در سریع‌ترین زمان انجام شود (پورحسن، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۳). در این راستا نهادی نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ظرفیت‌های خود در حوزه رسانه‌ای نهایت استفاده را می‌برد و در مواقع لازم نسبت به تحرکات، فعالیت‌ها و اقدامات علیه کشور جبهه‌گیری می‌کند و از سوی دیگر نیز سپاه پاسداران و در رأس آنها سردار سپاه قدس ایران (شهید سلیمانی) در جریان نبرد در آن سوی مرزهای ایران طیفی از مستندسازان انقلابی را به داخل جغرافیای شام و عراق کشید تا از این طریق بخشی از جهاد مدافعان حرم بازتاب پیدا کند. در این عرصه آثار متعددی تولید و اکران شد. آثاری که برخی در جشنواره‌های مختلف ایرانی و خارجی درخشیدند و لزوم مبارزه با تکفیر در منطقه را گوشزد کردند و از وجود جوانانی خبر دادند که گمنام و در جامعه تأثیرگذارند.

بدین ترتیب در سال‌های اخیر مقامات و مسئولان رده بالای حکومتی از شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی استقبال کرده و برخی از مقامات جمهوری اسلامی مواضع و نظرات خود را در شبکه‌های اجتماعی درج می‌کنند. امکان تعاملی بودن این رسانه‌ها باعث گردید خوانندگان امکان گذاشتن پیغام و واکنش به اخبار را داشته باشند و بدین ترتیب فرصت بی‌نظیری برای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از طریق ارتباط بی‌واسطه میان مقامات کشور با افکار عمومی جهانیان و تأثیر

بر نگرش آنها ایجاد شده و از سوی دیگر افکار عمومی در سایر کشورها نیز بی‌واسطه با دیدگاه‌ها و نظرات مقامات مسئول آشنا می‌شوند (ایزدی و خادم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

نتیجه‌گیری

امروزه جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی خود قائل به نوعی رسالت جهانی و اسلامی است که بر اساس آن یک‌سری اهداف و وظایف برای خود متصور است. در این راه، همواره بر بُعد مردمی و عمومی روابط تأکید داشته و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برای تأمین منافع خود در کنار روابط رسمی با دولت‌ها، توجهی ویژه به افکار عمومی داشته است. از این‌رو، تعامل با گروه‌های غیردولتی و جنبش‌های آزادیبخش در در جهان اسلام در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گرفت. با این حال، در شرایط امروزی و با سرعت اطلاعات و ارتباطات دیگر دولت‌ها تنها بازیگر محسوب نمی‌شوند و سایر بازیگران اعم از افراد جامعه، نهادها و مؤسسه‌های داخل یک کشور و نهادها و مؤسسات بین‌المللی وابسته به آن در خارج از کشور در دیپلماسی عمومی مؤثر و نقش‌آفرین می‌باشند. این امر در جمهوری اسلامی ایران نیز مستثنی نیست و تاکنون نهادهای مختلفی در کشور به ایفای این مسئولیت پرداخته‌اند که نویسنده در تحقیق خود به بررسی جامع یکی از این نهادهای مهم یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداخته است. این نهاد در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دستور بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و برای نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، تشکیل شد و تلاش نموده است تا فراتر از یک نهاد نظامی، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در راستای اعتلای کشور و انقلاب اسلامی فعالیت نماید و در دهه اخیر با اهمیت موضوع دیپلماسی عمومی و بحث مسائل فرهنگی و اجتماعی، سپاه پاسداران نیز نقش پررنگ‌تری را در این حوزه ایفا نموده است. به‌طوری‌که امروزه سپاه پاسداران از مهم‌ترین بازوهای نظامی و سیاسی ایران در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای است و در زمینه دیپلماسی عمومی و نشان دادن ایران در قلب‌ها و افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای مسئولیت اساسی دارد. در حقیقت این سازمان، در عین فعالیت در حوزه دفاعی و نظامی، در حوزه دیپلماسی عمومی حضور قاطع یافته و برای مقابله با تهدیدات فرهنگی دشمن آماده شده است و در سال‌های اخیر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده نیروی قدس، سردار سلیمانی (قبل از به شهادت رساندن آن توسط نظامیان آمریکایی در خاک عراق) به نماد قدرت و نفوذ ایران در منطقه تبدیل شده بود.

بنابراین در تأیید فرضیه مطرح شده در این پژوهش، به ذکر اقدامات و فعالیت‌های سپاه پاسداران به عنوان یکی از بازیگران فعال در عرصه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. از جمله این اقدامات و مصادیق می‌توان به ایجاد هسته‌های محور مقاومت و تلاش برای تقویت آن در سراسر منطقه؛ حضور مستشاری در بحران‌های منطقه؛ مقابله با گروه‌های تروریستی؛ حمایت از مظلومان و جنبش‌های آزادیبخش؛ مطرح کردن ایده مدافع حرم؛ چانه‌زنی و همکاری در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای؛ کمک‌های غیرنظامی به مردم بحران زده منطقه؛ تبدیل شدن نیروی قدس

و سردار شهید سلیمانی به چهره کاریزما در میان افکار عمومی کشورهای منطقه و استفاده از رسانه در جهت تحقق اهداف خود (دیپلماسی رسانه‌ای) اشاره کرد.

منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۳). فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۱.
۲. ابوالفتحی، محمد و پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه. فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۶، بهار.
۳. امام خمینی (ره). (۱۳۷۲). کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امیرزاده، محمدرضا؛ زینالی، صادق و زمانی‌راد، حجت. (۱۳۹۵). نقش و جایگاه ارزش‌های شیعی در دیپلماسی عمومی. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان.
۵. ایزدی، جهانبخش و خادم‌زاده، جواد. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های نوین دیپلماسی عمومی مدرن و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی. مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال پنجم، شماره یازدهم، تابستان.
۶. ایزدی، فواد و ماه‌پیشانیان، مهسا. (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه: تداوم یا تفاوت. دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال هجدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۷. بختیاری، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیپلماسی عمومی با مفاهیم نرم. فصلنامه مطالعات عملیات روانی. سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز.
۸. بهمن، شعیب. (۱۳۹۶). نقش نیروهای قدس در حل بحران‌های غرب آسیا. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره ۱ (پیاپی ۶۹)، بهار.
۹. پورحسن، ناصر. (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه‌جانبه. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.
۱۰. پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۵). شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵، تابستان.
۱۱. توکلی، یعقوب و نژادزندی، رؤیا. (۱۳۹۱). کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، پاییز.
۱۲. جعفری، علی‌اکبر و قربی، سید محمدجواد. (۱۳۹۷). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه کمی سیاست‌های کلی علم و فناوری. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان.

۱۳. جوادی ارجمند، محمدجعفر و اسمعیلی، مرتضی. (۱۳۹۱). جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان. فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز.
۱۴. حسینی، سید محمدحسین. (۱۳۹۲). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه). فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۳، پاییز.
۱۵. خادم‌زاده، جوادی؛ ایزدی، جهانبخش و سلطانی، علیرضا. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۴ (شماره پیاپی ۶۴)، پاییز.
۱۶. داداندیش، پروین و احدی، افسانه. (۱۳۹۰). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار.
۱۷. درخشه، جلال و کمالی، علی. (۱۳۹۵). بازنمایی «کنش حمایت‌گرانه» در آینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار.
۱۸. دمیرچی، علیرضا. (۱۳۹۹). دیپلماسی ایرانی - اهمیت فوق العاده توافقنامه امنیتی - نظامی ایران و سوریه. قابل دسترسی در: [Http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993383/](http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993383/)
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزی، علیرضا. (۱۳۹۱). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی. فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان.
۲۰. ذوالفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه. (۱۳۹۷). مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی. دوفصلنامه قدرت نرم، سال هشتم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان.
۲۱. رضایی، نیما. (۱۳۹۶). نقش نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تحولات امنیتی - نظامی منطقه غرب آسیا. رساله دکتری رشته روابط بین‌الملل. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. رفیع، حسین و نیک‌روش، ملیحه. (۱۳۹۲). دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، دوره ۶، شماره ۲۲، تابستان.
۲۳. سیف، الله‌مراد؛ افتخاری، اصغر؛ عزتی، مرتضی و رضانی، محمدتقی. (۱۳۹۲). مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار.
۲۴. عالمی، سید علیرضا. (۱۳۹۸). شهید سلیمانی و گفتمان انقلاب اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قابل دسترسی در: [Http://iict.ac.ir/alemisoleymani](http://iict.ac.ir/alemisoleymani)
۲۵. فرجی، علیرضا. (۱۳۹۶). مایکل روبین — قدرت نرم ایران را دستکم نگیرید. ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تاریخ انتشار: ۱۹ فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: www.irna.ir/amp/82485616
۲۶. فیروزی، علیرضا. (۱۳۹۰). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۷. قادری کنگاوری، روح‌الله. (۱۳۹۷). نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای. فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۴۰، پاییز.
۲۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. قربی، سیدمحمدجواد و جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام؛ مورد کاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۹، تابستان.
۳۰. کشاورز شکری، عباس؛ بیات، محسن و بخشنده، خاطره. (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز.
۳۱. متقی، ابراهیم و امینی، حسن. (۱۳۹۹). دیپلماسی انقلابی در الگوی رفتار منطقه‌ای سردار سلیمانی. دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی، تهران: بهمن ۱۳۹۹.
۳۲. متقی، ابراهیم و شایسته، حمید. (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، شماره هشتم، تابستان.
۳۳. متین‌فر، علی. (۱۳۹۳). خبرگزاری تابناک - جمهوری اسلامی ایران و مفهوم دیپلماسی عمومی. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۲/۴، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/433148>
۳۴. محمدی، مصطفی. (۱۳۹۴). نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی. پانزده خرداد، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۴۵، پاییز.
۳۵. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. موسوی خورشیدی، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۴). نقش دیپلماسی عمومی در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ششم، تابستان.
۳۷. هالستی، کی. جی. (۱۳۸۳). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۸. یزدانی، عنایت‌الله و نژادزندی، رویا. (۱۳۹۲). کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷، تابستان.
39. Cull, N. J. (2003). Public Diplomacy, in: Propaganda and Mass Persuasion: A Historical Encyclopedia, 1500 to the Present, ed.
40. Gurgu, Elena & Cociuban, Aristide. (2016). New public diplomacy and its effects on international level. Journal of economic development, environment and people, V. 5, N. 3.
41. Sharp, Paul. (2005). Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy, The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations, Edited by Jan Melissen, Hampshire: Palgrave.

42. Tuch, Hans N. (1990). Communication with the world. New York: St.Martin Press.
43. Wolf Jr, C& Rozen, B. (2004). Public Diplomacy: how to think about and Improve it, Rand Corp Santa Monica CA, available at: <http://www.rand.org/pubs/occasional-papers/2004/Rand-op.134.pdf>